کتابخوان

خسته از زندگی، هراسان از مرگ

درباره رمان «آن‌ها به اسب‌ها شلیک می‌کنند» نوشته هوراس مک‌کوی

«آن ها به اسب ها شلیک می کنند» رمانی مطرح از نویسنده‌ای است که چنان که باید شناخته نشد. در واقع، فرانسوی ها این رمان آمریکایی را ترجمه و مطرح کردند و اقتباسی سینمایی نیز بر پایه آن صورت گرفت که به جایزه‌های گوناگونی دست یافت. داستان کتاب به مرد و زنی بی پول می پردازد که در یک مؤسسه به کار گرفته و با موقعیتی دردناک روبه‌رو می شوند. در این مؤسسه انسان ها را به خدمت می گیرند و به پایکوبی می گمارند تا تهیه کنندگان سینما آن‌ها را برای فیلم‌های خود برگزینند.

«آن‌ها به اسب‌ها...» داستانی درباره آمریکای دهه ۳۰ و ثبات گرفتن نظام سرمایه‌داری و چیرگی هالیوود بر آرزوها و رؤیاهای جوانان است. نویسنده با روایتی ساده و کلاسیک و رویکردی واقع گرایانه رؤیای آمریکایی را به نقد می کشد. او داستان برده داری نوینی را بازگو می کند که در آن، سرمایه‌داران ارباب و شهروندانی برده‌اند. در این داستان، قتل و دادگاه هست و عشق و مناسبات انسانی که این‌ها به شکلی تازه عرضه نمی‌شوند. با این حال، حرف های مگویی را مطرح می کنند که شاید از همین رو، رمان در آمریکا دیده نشد. تو گویی سیستم حاکم بر آن کشور برنمی تابد که نویسنده‌ای بخواهد خوشبختی دروغینی را که سرمایه داری برای شهروندان ترسیم کرده است فاش کند و اربابان را رسوا گرداند. رمانْ شرح قربانی شدن آدم‌هایی به نام گلوریا و رابرت است که می‌توان آن‌ها را مشتی از خروار در نظامی آلوده و بیمار تلقی کرد. هوراس مک کوی، نویسنده اثر، در سال ۱۸۹۷ میلادی در ایالت تنسی آمریکا زاده شد و در سال ۱۹۵۵ در لس‌آنجلس بر اثر بیماری قلبی جان باخت. او از نوجوانی مشاغل گوناگونی از دست‌فروشی تا گزارشگری و داستان نویسی را تجربه کرد. مک کوی هنرپیشه بااستعدادی هم بود که زمانی در هیئت فیلم‌نامه‌نویسی خرده پا در هالیوود مشغول بود. «آن‌ها به اسب‌ها...» نخستین رمانش است که در سال ۱۹۳۵ منتشر کرد اما چنان که گفته شد، از آن استقبالی نکردند. ۱۱ سال بعد، مارسل دوهامل، نویسنده فرانسوی، آن را به زبان خود ترجمه و معرفی کرد. همچنین سیدنی پولاک در سال ۱۹۶۹ اقتباسی سینمایی از رمان ارائه کرد که جوایزی چون جایزه اسکار و گلدن گلوب در بخش بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را برای گیگ یانگ، جایزه حلقه منتقدان فیلم نیویورک در بخش بهترین بازیگر نقش اصلی زن را برای جین فوندا و نیز جایزه هیئت ملی بازبینی فیلم به عنوان «بهترین فیلم» را به همراه داشت. برشی از رمان را بخوانید: گلوریا گفت: «من از همه این کارها بیزارم. از همه هنرپیشه ها بیزارم. از اینکه یک‌ریز یک کار را تکرار کنیم بیزارم.» گفتم: «پاره‌ای وقت ها از آشنایی با تو پشیمان می شوم. حقیقتش این است که من هم از حرف های یک‌جور و یکنواخت کسل می‌شوم. پیش از آشنایی با تو نمی‌دانستم معاشرت با آدم‌های سیاه‌دل چه مزه‌ای دارد.» همراه جفت‌های دیگر، پشت خط شروع مسابقه جمع شدیم. گلوریا گفت: «از زندگی خسته‌ام. از مرگ می‌هراسم.» جمز بیتس که حرف گلوریا را شنیده بود طعنه زد: «احسنت. تکه خوبی است برای آواز. می توانی یک ترانه بسازی درباره کاکاسیاه پیری که در یک حوضچه کار می کند، که از زندگی خسته شده و از مرگ هم می ترسد. سیاهه مثلا عدل های پنبه را به دوش می کشد و درباره رود می سی سی پی تصنیف می‌خواند. خوب توجه کن. یک اسم مناسب هم روی ترانه‌ات بگذار، مثلا پیرمرد رودخانه.»

«آن ها به اسب ها شلیک می کنند» را نشر نیماژ با برگردان فارسی شادروان محمدعلی سپانلو در ۱۶۰ صفحه به چاپ رسانده است.

هست نما

اگر این رمان را نخوانید، تکه‌ای از زیبایی جهان را از دست می‌دهید

فرسته اینستاگرامی محمدحسن شهسواری درباره رمان «کاتوره» که نویسنده‌اش انتشار آن را ندید

محمدحسن شهسواری، نویسنده خراسانی که به عنوان مدرس داستان‌نویسی نیز از شخصیت‌های سرشناس ادبیات داستانی کشور است، در صفحه اینستاگرامش نویسنده‌ای را معرفی کرده است که مهلت نیافت انتشار رمانش را ببیند. البته این اتفاق برای خیلی از اهالی ادب افتاده و همچنان محتمل است، اما گویا رمان مدنظر ویژگی‌هایی دارد که ستایش ویژه شهسواری را برانگیخته است. او نوشته است: «بی‌تا شباهنگ را که نفر اول کنکور بود و دستیار کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و البته داستان‌نویس، هرگز ندیده بودم و نمی‌شناختم تا ۲ سال پیش، وقتی پس از جدالی یازده‌ماهه با سرطان، دنیای ما را ترک کرد و من تنها خبر مرگش را خواندم.»

شهسواری در ادامه با اشاره به انتظار نافرجامی که بی‌تا شباهنگ برای دریافت مجوز کتابش، «کاتوره»، کشید، از شرایط نامساعد کشور و مسائلی چون ممیزی انتقاد کرده، اما در عین حال پشتکار آن نویسنده فقید را انگیزه‌بخش خود دانسته است: «به لحظاتی فکر می‌کنم که بی‌تا، مطمئن از مرگِ پیش رو، باز رمانش را ادامه می‌داده. این روزها، تصور گلاویزیِ او با کلمات است که مرا در تاریکی نیمه‌شب از جا می‌کند و به نوشتنَ وامی‌دارد.»

در این فرسته اینستاگرامی، رمان «کاتوره» با وام گرفتن از قول یکی از دوستان بی‌تا شباهنگ، «زیبای معتدل» نامیده شده است. همچنین در مقایسه آن با دیگر رمان‌های فارسی که این روزها به چاپ می‌رسند، آمده است: «در سال بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ رمان فارسی منتشر می‌شود که دست‌کم ۲۵ تایشان خواندنی هستند که عدد غرورانگیزی است. از بین آن‌ها هفت هشت تا را به‌قوت می‌توان به سخت‌گیرترین خوانندگان پیشنهاد داد که این هم عالی است. اما از میان آن‌ها تنها یکی ۲ رمان وجود دارد که نخواندنشان باعث می‌شود تکه‌ای از زیبایی جهان را از دست بدهی، مغبون زیستن خود شوی. «کاتوره» از نگاه من به‌یقین جزو همین یکی دوتاست.» شهسواری افزوده است: «از نویسنده‌های ایرانی کمتر کسی را دیده‌ام که چنین عالی صحنه بنویسد. به‌هم‌آمیزی ریتم و عمق و حال و هوا و همین، درد رفتن چنین نویسنده توانایی را صدچندان می‌کند و البته این افسوس می‌ماند که سازوکار فضای ادبی ما (که خودم هم جزوش هستم) چقدر معیوب و یکسونگر است که چنین رمان پاکیزه و عالی‌ای دیده نمی‌شود. چون «کاتوره» را ناشری نه‌چندان مشهور منتشر کرده بعید می‌دانم بتوانید آن را در کتاب‌فروشی‌های زیادی پیدا کنید اما خوشبختانه رمان در فیدیبو موجود است. ناشر هم در صفحه‌اش (aftabkaranpub) اعلام کرده است می‌توان آن را از طریق آن‌ها تهیه کرد.

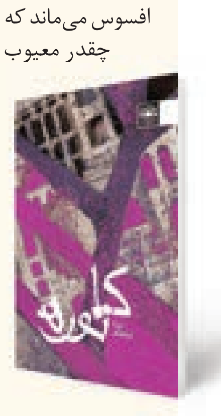

پس اگر خانه‌نشینی را با کتاب خواندن می گذرانید، «کاتوره» که سرشار از روح زندگی و عشق و دردی اصیل است، بی‌شک یکی دو روز از زندگی‌تان را رنگ طراوت و تازگی خواهد زد.»

کندوکاو

زبان فارسی، ایرانیان را به هم وصل می‌کند

نگاهی به زندگی و کارنامه و دیدگاه‌های دکتر ژاله آموزگار به بهانه پخش مستند «آموزگار سخن در اساطیر ایران»

رادمنش| اصالتا آذری است، اما عاشق زبان فارسی و می‌گوید: «من غیرت زبان فارسی را دارم.» ژاله آموزگار ۱۲ آذر ۱۳۱۸ در شهر خوی به دنیا آمده است. پژوهشگر فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، اسطوره‌شناس، مترجم و استاد دانشگاه است. بیژن شکرریز در مستندی با عنوان «آموزگار سخن در اساطیر ایران» به خانه او رفته است تا دکتر ژاله آموزگار از روزگار رفته حکایت کند و زبان فارسی و ایران. این مستند گفت‌وگومحورِ حدودا پنجاه‌دقیقه‌ای دوشنبه‌شب هفته جاری در برنامه «حکایت دل» شبکه ۴ سیما پخش شد و مروری کرد بر سیر زندگی و کارنامه و دیدگاه‌های این «معلم» از زبان خودش.

زبان فارسی است که همه ما را به هم پیوند می‌دهد

یکی از بحث‌هایی که سال‌هاست مطرح و گاه داغ‌تر می‌شود، جایگاه زبان‌های قومی در ایران است. آموزگار که خود آذری است، در این مستند می‌گوید: زبان‌های قومی سرجایش، کُرد باید کُردی یاد بگیرد، آذربایجانی باید ترکی یاد بگیرد، اما همه ما یک زبان مشترک داریم که فردوسی و حافظ با آن شعر گفته‌اند. ما هنوز شعرهای فردوسی را می‌فهمیم و بعضی این را برای زبان فارسی عیب می‌دانند. وقتی زبان فارسی دری شروع می‌شود، ما به حد کافی دوره‌های زبان را گذرانده‌ایم. یعنی از دوره باستان به دوره میانه رسیده‌ایم. ۸ حالت دوره اوستایی جای خودش را داده به ۲ حالت دوره میانه. همین‌جور ساده و ساده‌تر شده است. یعنی وقتی فردوسی شروع می‌کند به سرودن، زبان فارسی ساخته شده است. رودکی دیگر نباید کار دیگری بکند. وقتی می‌گوید «بوی جوی مولیان آید همی» همه می‌فهمند یعنی چه. یعنی زبان به اوجش رسیده بوده است. با زبان فارسی از ابتدا شعر گفته شده، اندیشه گفته شده، یعنی فلسفه داشته است. دینکرد ۳ همه‌اش فلسفه است. یکی از چیزهایی که من درباره آن از دوستان فلسفه‌دانم گله‌مند هستم این است که نمی‌روند به سراغ این‌ها. اجداد ما آدم‌های اندیشمندی بوده‌اند. این نبوده است که فقط اسب بتازانند و بروند جایی را بگیرند. این‌ها را که یاد بگیرید خودبه‌خود علاقه‌مند می‌شوید. من هم غیرت زبان فارسی را دارم و هم غیرت ایران را. خدا هردوی این‌ها را حفظ کند. من ایران را به‌شدت دوست دارم. با اینکه آذربایجانی هستم، خیلی غیرت زبان فارسی را دارم، چون زبان فارسی است که ما را به هم وصل می‌کند. فردوسی و حافظ و سعدی هستند که همه ما را به هم وصل می‌کنند. شناخت علاقه ایجاد می‌کند. بروید تاریخ ایران را بدون نگاه شوونیستی، بدون تعصب یاد بگیرید. آن وقت خواهید دید که علاقه‌مند خواهید شد. آن‌هایی که الان سنگ زبانی غیر از فارسی را به سینه می‌زنند، زبان فارسی را نمی‌شناسند، به طرفش نرفته‌اند، کار نکرده‌اند، نخوانده‌اند. زبان فارسی زبانی شیرین است. خوش‌آهنگ است. آواهایش کنار هم قشنگ نشسته‌اند. از نظر علم زبان‌شناسی، زبان فارسی آهنگین است و صداهایش گوش‌خراش نیست. مقایسه کنید با آلمانی یا حتی انگلیسی.

اگر واژگان بیگانه معادل‌گذاری فارسی نشود، قدرت زبانمان از بین می‌رود

جایگزینی واژگان فارسی به جای واژه‌های بیگانه و گاه برابرسازی برای کلمات وارداتی، یکی از چیزهایی است که گاه با طنز و شوخی با آن برخورد شده است. ژاله آموزگار که خود عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است، در اهمیت واژه‌سازی خاطرنشان می‌کند: اگر واژه‌های جدید ساخته نشود و جایگزین واژه‌های وارداتی نشود، به‌مرور زبان فارسی جایگاه خودش را از دست می‌دهد و می‌گویند فارسی دیگر زبان علم نیست. زبان‌های دیگر هم همین کار را می‌کنند. مثلا فرانسه برای کامپیوتر معادل‌گذاری کرده، با اینکه انگلیسی و فرانسوی به هم نزدیک هستند. البته فرهنگستان کلماتی را که جا افتاده است دیگر تغییر نمی‌دهد. ما در گذشته (قرون اولیه هجری)، یا تنبل بوده‌ایم یا بلد نبوده‌ایم یا خواسته‌ایم خودمان را به دستگاه نزدیک کنیم. برای همین از واژه‌های فارسی استفاده نکرده و کلمات عربی را جایگزین کرده‌ایم. در آن دوره هم که همه آدم‌ها خواندن و نوشتن نمی‌دانستند و این امور در انحصار گروه دبیران بود و این شد که همین‌جور در مغز ما رفت و بعدها نتیجه‌اش این شد که زبان فارسی قدرت اجرای کلمات سنگین و فلسفی را نداشت و واژه‌هایی آمد که همه‌اش عربی است. عربی هم عیبی ندارد و به آن احترام می‌گذارم، اما با این رویکرد، قدرت زبان فارسی را از دست می‌دهید.

آدمی معمولی بودم که بلد بودم لحظات را شکار کنم

در بخشی از این مستند، آموزگار به گذشته خود نقبی می‌زند و مسیری را که تا امروز طی کرده است مرور می‌کند. او می‌گوید: ۱۲ آذر ۱۳۱۸ در شهرستان خوی دنیا آمده‌ام. پدرم مأموریت فرهنگی خودش را در این شهر می‌گذراند. مادرم دیپلمه بود و آن دوران داشتن دیپلم مزیتی بود، ولی کار نکرد. من از کودکی خودم خیلی راضی هستم. کودکی آرامی داشتم، مثل هم‌نسلان خودم. شهرستان دنیا آمدن به نظرم چیز خوبی است، چون آدم با فرهنگ دیگری غیر از فرهنگ غالب بر جامعه بزرگ می‌شود. من آنجا زبان ترکی یاد گرفتم و خوشحالم که یک زبان دیگر یاد گرفته‌ام. شاید پدر و مادرم بودند که باعث شدند من به سمت مسائل فرهنگی بروم. در نسل ما کتاب خواندن دلیل روشن‌فکری بود. اگر کتاب نمی‌خواندی یعنی روشن‌فکر نبودی. اینکه من توانستم درس بخوانم، عاملش پدرم بود. او هیچ فرقی بین پسر و دخترش قائل نشد و مرا هم برای درس خواندن به تبریز فرستاد و از این جهت از او خیلی ممنونم.

استاد برجسته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران بخت زندگی در خانواده‌ای فرهنگی و شرایط مساعد را عاملی مهم در طی کردن مسیر و نوع زندگی هر شخص می‌داند و بیان می‌کند: در تبریز به خانه عمویم، حسین امید، رفتم که آدم سرشناسی در آن شهر بود، شاعر و معلم و کتابخانه‌دار. فرزندی هم نداشت و مرا به چشم دختر خودش نگاه می‌کرد. این هم سعادت دیگری بود. همیشه می‌گویم همه آدم‌ها یکسان هستند، اما مهم این است که در جریان چه چیز قرار بگیرند و بلد باشند لحظات را شکار کنند. من آدم فوق‌العاده‌ای نبودم و نیستم. آدمی معمولی بودم که در مسیرهای خوب قرار گرفتم و بلد بودم شکار کنم، از پدرم، عمویم، دانشگاه و ... . کسی که روی من خیلی تأثیر گذاشته بود دکتر ماهیار نوابی بود. استادی شیرازی بود که آمده بود تبریز. تخصص این استاد زبان‌های باستانی بود. به ما پهلوی درس می‌داد. از کسان دیگری که خیلی بر من تأثیر گذاشتند دکتر احمدعلی رجایی بخارایی بود.

از خراسان تا پاریس

او در ادامه می‌افزاید: در دانشکده ادبیات با همسرم هم‌کلاس بودیم و آنجا با هم آشنا شدیم. اهل مشهد بود. سال ۳۹ با هم ازدواج کردیم و چون محل مأموریت همسرم کاشمر بود، با کمال میل به آنجا رفتم. سال ۴۱ تنها فرزندم به دنیا آمد و سال ۴۲ برای درس خواندن به پاریس رفتیم. از استادان فرانسوی‌ام خیلی آموختم و مهم‌تر از همه روش کار را باید بگویم از استادان فرانسوی‌ام آموختم. سال ۴۵-۴۶ به ایران برگشتم. آموزش و پرورش مرا مأمور به خدمت کرد به بنیاد فرهنگ ایران که آقای دکتر خانلری در رأسش قرار داشت. بنیاد فرهنگ خدمت خیلی زیادی به فرهنگ گذشته ما کرد. یکی از کارهای دکتر خانلری در آنجا تهیه واژه‌نامه برای کتاب‌های پهلوی بود که پیش از آن این کتاب‌ها را نداشتیم. من از شخصیت‌هایی که آنجا بودند یاد گرفتم. در ایران کار کردن با هم سخت است چون منیت‌ها نمی‌گذارد کار تیمی شکل بگیرد و انجام شود، اما با دکتر تفضلی کتاب‌ها و پژوهش‌های متعددی را به سرانجام رساندیم، چون این منیت بین ما نبود.

معلم هستم و به معلمی خودم می‌نازم

در تیرماه ۱۳۹۵، ژاله آموزگار جایزه نشان عالی دولت فرانسه یا لژیون دونور را در سفارت فرانسه و از دست سفیر کبیر این کشور دریافت کرد. همچنین در دی همان سال به پاس یک عمر کوشندگی علمی و فرهنگی و خدمت به بازشناسی آثار و نوشته‌های بازمانده از ایران کهن، انجمن علمی ایران‌شناسی دانشگاه تهران جایزه سرو ایرانی را به او اهدا کرد. او درباره دریافت نشان لژیون دونور می‌گوید: معمولا این نشان را به کسانی می‌دهند که با فرهنگ فرانسه آشنا هستند و در کشور خودشان هم مثمرثمر بوده‌اند. وقتی می‌خواستند مرا پیشنهاد کنند، از من فهرست کارهایم را خواستند. در حکمی که به من دادند، به معلمی من تأکید کرده‌اند و من بیش از همه به معلمی خودم می‌نازم و از گرفتن این نشان هم خوشحال هستم.

این پژوهشگر و استاد دانشگاه از اینجا وارد فضای معلمی و کارش با دانشجویان می‌شود و یادآوری می‌کند: اگر می‌خواهید معلم خوبی باشید، باید در جامعه باشید. در جامعه بودن یعنی از هنر جامعه اطلاع داشتن. یعنی بدانید آخرین فیلم خوب، آخرین کتاب خوب چیست. فقط این نیست که لغات پهلوی را خوب بشناسید. الان استادان جوان ما بسیار باسواد هستند. من همیشه گفته‌ام هر استادی دانشجویش باید از خودش باسوادتر شود، وگرنه موفق نیست، به دلیل اینکه آن دانشجو امکانات بیشتری دارد و استادان مختلفی را دیده است. پس باید از استادش باسوادتر باشد. اما دانشجویان فعلی ما یک‌بعدی شده‌اند. یک‌ذره قدمشان را آن‌طرف‌تر نمی‌گذارند و فقط درس می‌خوانند. در نتیجه محضر ندارند.

ژاله آموزگار در مورد رمز موفقیتش در کسوت استادی یا آنچه خودش تأکید دارد، یعنی معلمی، خاطرنشان می‌کند: چون معلمی را دوست دارم، با اکراه وارد کلاس نمی‌شوم. با دانشجو ارتباط برقرار می‌کنم و برایشان ارزش قائلم. دانشجو را تحقیر نمی‌کنم. فکر می‌کنم این از رمزهای موفقیت من در کلاس‌هایم است. سه چهار نسل دانشجوی من بوده‌اند. از جوان‌ها خیلی خوشم می‌آید. من عاشق این نسلم. من یک دختر و یک نوه دارم، اما فکر می‌کنم ۱۰۰۰ تا بچه دارم. اما اگر بخواهم این نسل را با نسل گذشته و نسل خودم مقایسه کنم، وضعیت به نظرم چندان خوب نیست. وقتی دانشجویان دکتری‌ام را در سال‌هایی که تدریس کرده‌ام با هم مقایسه می‌کنم، گاهی دلم می‌خواهد نمودار بکشم که بفهمیم چقدر افت کرده‌اند. این را نمی‌گویم که دانشجویان امروز را زیر سؤال ببرم، ولی احساس می‌کنم آن‌قدر که آن زمان پویایی داشتند و دنبال استاد می‌آمدند و مقاله می‌خواستند و می‌پرسیدند، امروز نیستند. امروز راحت به دست می‌آورند و در نتیجه کمتر می‌خوانند. گاهی بی‌علاقه‌اند شاید به این دلیل که ناامیدند. می‌گویند: ما این همه خواندیم که چه بشود؟ نسل من با خود می‌گفتند: ایران منتظر من است. نسل بعد از من هم همین‌طور فکر می‌کردند. اما نسل امروز کمی ناامید هستند. متأسفم. غمگین می‌شوم، اما تقصیر این‌ها هم نیست. امیدوارم بهتر شود.

عید میاید......
خنده میاید....
اگر تو با من باشی.

روشهای مشارکت در اجرای پویش مردمی "حلقه وصل باشیم"
● کد USSD از طریق همراه اول : [illegible]
● کد USSD از طریق همراه اول و ایرانسل : [illegible]
● شماره حساب مشارکت های مردمی: ۲۱۷۳۳۴۵۱۷۱۱۰۰۰ سیبا بانک ملی
● شماره شبا: IR ۲۷۰۱۷۰۰۰۰۰۰۲۱۷۳۳۴۵۱۷۱۱۰۰۰ بانک ملی شعبه مشهد
● شماره کارت: ۶۰۳۷-۹۹۱۸-۹۹۵۱-۷۳۳۴
● شماره تلفن: ۳۲۲۲۳۶۰۵
● اسکن تصویر زیر از طریق گزینه نشان پرداخت(تاپ) اپلیکیشن آپ

اداره کل بهزیستی استان خراسان رضوی
اداره کل بهزیستی خراسان رضوی
معاونت مشارکت های مردمی
تلفن: ۳۲۲۳۱۲۰۸

هنر شهری

عدالت هنری در خانه بهار

ریزودرشت سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد از زبان دبیر جشنواره

عکس: مصطفی عباسی | شهرآرا

شکیبا افخمی‌راد| این روزها بیشترین واژه‌ای که در صحبت‌های روزمره‌مان می‌شنویم، کروناست؛ ویروسی که در سطح کشور شیوع پیدا کرده و باعث شده است در شهرها کمتر حال‌وهوای بهار و نوروز در جریان باشد. ۱۲سال است که روزهای پایانی اسفند نشست خبری درباره رویدادهای هنری مشهد در نوروز با حضور مدیران شهری برگزار می‌شود اما امسال کرونا این نشست را هم تعطیل کرده است. شاید همین موضوع بود که بازار شایعات را برای برگزار نشدن این رویداد داغ کرد اما از آنجایی که آماده‌سازی شهر برای میزبانی از بهار، خود می‌تواند بر روحیه مردم اثر مثبت بگذارد و دقایقی افکار آن‌ها را از این ویروس منحرف کند، گروه اجرایی سومین دوره جشنواره هنرهای شهری مشهد با نام خانه بهار۹۹ این روزها بی‌وقفه در تلاشند که نشاط را به شهر برگردانند. امسال فراخوان جشنواره خیلی زودتر از سال‌های گذشته و در تیرماه منتشر شد تا هنرمندان فرصت کافی برای ایده‌پردازی‌های خلاقانه و اجرا داشته باشند. بر همین اساس، بسیاری از آثار برخلاف سال‌های گذشته که در روزهای پایانی اسفند آماده نصب می‌شدند، آماده اجرا در شهر هستند. در این دوره ۳هزارو۴۳۷اثر از هزارو۳۷۲هنرمند به دبیرخانه جشنواره رسید که بعد از انجام مراحل داوری، در بخش یادمان‌های شهری ۵۸اثر، در بخش آذین‌بندی ۳۲اثر، در بخش دیوارنگاری ۴۴اثر، در بخش هنرهای نمایشی، موسیقی و جشن‌های آیینی ۳۳نمایش، در بخش گل‌آرایی و طراحی فضای سبز ۳۶طرح و در بخش دانشگاهی ۹۰پروژه با محورهایی چون شهدا، نوروز، محیط زیست، فرهنگ و مفاخر برای اجرا در سطح شهر انتخاب شده‌اند. هم‌زمان با نزدیک شدن به آغاز سال جدید به‌سراغ صدرا یوسفی، معاون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد و دبیر سومین جشنواره خانه بهار، رفتیم تا اطلاعات بیشتری از جزئیات نحوه برگزاری این رویداد مهم به‌دست آوریم.

آغاز نصب المان‌ها در نقاط شهر

همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد، بیماری کرونا این روزها موضوع اول خبرهای ایران و دنیاست که بر بسیاری از فعالیت‌های هنری و غیرهنری تاثیر گذاشته است. این ویروس برای جشنواره خانه بهار ۹۹ نیز گرفتاری‌هایی ایجاد کرده و باعث تعطیلی برخی بخش‌های آن شده است. به گفته یوسفی، رویدادهای جمعی جشنواره یعنی بخش‌هایی که نیاز به حضور مردم داشتند، مثل بخش هنرهای نمایشی که قرار بود در آن تئاترهای خیابانی، صحنه‌ای، کودک و نوجوان، سرود، موسیقی سنتی و مقامی اجرا شود، بخش المان‌های تعاملی که قرار بود مردم در رونمایی آن‌ها حضور داشته باشند، بخش بین‌الملل و همچنین بخش‌هایی که باید به‌صورت رویدادی برگزار می‌شدند، مانند هفته نقاشی، به‌منظور حفظ سلامت مردم و برای جلوگیری از انتشار بیماری، تا زمانی که شرایط بهتر شود و دستورالعمل‌های استانی اجازه فعالیت‌های جمعی را بدهد، متوقف شده‌اند.

او همچنین با تاکید بر اینکه زیباسازی شهر هیچ زمان متوقف نمی‌شود، از خانه بهار و نوروز به‌عنوان یک فرصت برای زیباسازی یاد می‌کند: «زیباسازی شهر صرفا برای ۱۵روز نوروز نیست که اگر مشکلی پیش آمد، برنامه‌ها کلا منتفی شود.»

بر این اساس به غیر از بخش جمعی، دیگر بخش‌های جشنواره خانه بهار همچنان برپا هستند و قرار است رنگ‌وبوی تازه‌ای به شهر بدهند.

دبیر سومین دوره جشنواره هنرهای شهری مشهد توضیح می‌دهد: در بخش ارائه‌های هنری که در سطح شهر نصب می‌شود، همچون سه سال گذشته سعی کردیم به‌سمت ساخت آثار دائمی‌تر و ماندگارتر برویم و سیما و منظر شهر را تغییر دهیم.

او به انتشار فراخوان جشنواره در تیرماه۹۸ اشاره می‌کند و درباره زمان‌بندی نصب و اجرای آثار می‌گوید: ما حدود یک ماه از زمان‌بندیِ خودمان جلو هستیم و این روزها در نقطه اوج فعالیت‌های جشنواره خانه بهار قرار داریم. بیشتر کارهای بخش یادمان‌های شهری که حدود ۶۰اثر هستند، آماده شده‌اند و مراحل پایانی را طی می‌کنند و بیشتر این المان‌ها به‌صورت دائمی در نقاط شهر نصب خواهند شد. باتوجه‌به روند کار برخلاف سال‌های قبل که بیشتر آثار در روزهای پایانی اسفند نصب می‌شد، امسال ما از جمعه ۹اسفند نصب آثار را در سطح شهر آغاز کردیم. به گفته یوسفی، تنها آثاری که نگاه نوروزی دارند و باید نو و تازه باشند، در روزهای پایانی اسفند نصب و رونمایی می‌شوند.

برقراری عدالت توزیعی در نصب المان‌ها

یکی از انتقادهایی که همواره عده‌ای به جشنواره خانه بهار وارد می‌دانند، رعایت نشدن عدالت توزیعی در نصب المان‌ها و اجرای آثار هنری در نقاط شهر است اما به گفته یوسفی، در جانمایی آثار امسال سعی شده است این مشکل حل شود. او در این‌باره توضیح می‌دهد: امسال هم شورای شهر و هم شهردار مشهد بر رعایت توازن در انجام کارها و همچنین نصب المان‌ها در نقاط حاشیه‌ای و کم‌برخوردار تاکید کرده‌اند، از این‌رو ما نیز تلاش کردیم در چندین میدان مختلف شهر آرایه‌های دائم نصب شود تا عدالت توزیعی برقرار شود؛ البته همه می‌دانیم برخی نقاط شهر پرتردد هستند و شهروندان زیادی از آنجا عبور می‌کنند، بنابراین نصب آثار در این مکان‌ها اهمیت دارد.

رئیس اداره امور هنری شهرداری همچنین از توجه ویژه جشنواره خانه بهار به موضوع ایثار و شهادت یاد می‌کند. به گفته او یادمان‌های شهدا در دو محور بولوار فرودگاه و بولوار آزادی در ورودی مشهد از سمت قوچان تغییر می‌کند. همچنین در بزرگراه سردار شهید، حاج‌قاسم سلیمانی، چند یادمان با محوریت این شهید بزرگوار، نصب و اجرا خواهد شد.

یوسفی همچنین از طبیعت و محیط زیست به‌عنوان یکی دیگر از سوژه‌های اصلی جشنواره امسال نام می‌برد که با استقبال چشمگیر هنرمندان نیز روبه‌رو شده است:«نقاشی‌دیواری یکی دیگر از بخش‌هایی است که این روزها در سطح شهر در حال پیگیری است؛ بخشی که در آن در کنار اجرای برخی آثار رسیده به دبیرخانه جشنواره و طرح‌های خروجی، کارگاه سه‌روزه خانه بهار با موضوعات فرهنگ، مشهد؛ شهر زیارت و معنویت، فردوسی و دیگر مفاخر در محورهای مختلف شهر اجرا می‌شود.

به گفته یوسفی، از یک ماه پیش زیرسازی نقاشی‌دیواری‌های سطح شهر آغاز شده و تا این لحظه کار به میزان ۷۰، ۸۰درصد پیشرفت داشته است.

او همچنین درباره بخش آذین‌بندی توضیح می‌دهد: از آنجایی که آذین‌بندی از نظر هزینه و اجرا نسبت‌به سایر قسمت‌ها سبک‌تر است و قابلیت تکثیر در شهر را دارد، برنامه‌ریزی کردیم تا بیشتر تغییر فضای شهر در نوروز را این بخش به دوش بکشد، از این‌رو آرایه‌های آذین‌بندی، بیشتر حال‌وهوای بهارانه دارند.

استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها

راه‌اندازی بخش دانشگاهی را می‌توان یکی از ویژگی‌های خاص سومین جشنواره هنرهای شهری دانست که امسال با محوریت تعامل با دانشگاهیان به جشنواره اضافه شده است. یوسفی درباره نحوه اضافه شدن این بخش به جشنواره خانه بهار توضیح می‌دهد: سال گذشته در حاشیه برگزاری و بعد از پایان جشنواره با گروه‌های مختلف نخبگان به‌ویژه دانشگاه‌های هنر گفت‌وگو و جشنواره را آسیب‌شناسی کردیم که به بحث تکرار و نبود خلاقیت در آثار رسیدیم؛ مثلا در یک بخش جشنواره ۹۰۰اثر به‌دست ما رسید که ۶۰۰اثر آن تکراری بود. ما برای پیدا کردن ایده و راه جدید و همچنین جواب دادن به گلایه‌های دانشگاهیان که می‌خواستند به جشنواره به‌صورت تخصصی کمک کنند، تصمیم گرفتیم در این دوره از جشنواره از ظرفیت دانشگاه‌ها استفاده کنیم.

مدیرعامل خانه هنرمندان مشهد با اشاره به دریافت ۱۴۰۰اثر در قالب ۸۰۰پروژه در بخش دانشگاهی می‌گوید: ضمن ارتباط مستمری که دبیرخانه جشنواره با دانشگاه‌های هنر سراسر کشور داشت، ما یک نماینده در هر دانشگاه، مشخص و دو جلسه مفصل با اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و استادان برگزار و تلاش کردیم صدای جشنواره را به تمام دانشگاه‌ها برسانیم. همین موضوع یکی از دلایل استقبال فوق‌العاده از بخش دانشگاهی بود که می‌تواند در سال‌های آینده بیشتر شود. او چگونگی اجرای این آثار در نقاط شهر را این‌گونه تشریح می‌کند: در خیابان بهار نقاشی‌دیواری‌های بخش دانشگاهی ما درحال اجراست. آذین‌بندی میدان آزادی تا بولوار وکیل‌آباد و کوهسنگی و خیابان‌های منتهی به حرم را نیز تیم‌های دانشجویی انجام می‌دهند. همچنین در بخش گرافیک شهری، طراحی کارت‌پستال و بیلبوردهای شهری، گروه‌های دانشگاهی پیشنهادهای خوبی داشتند که در نوروز آن‌ها را در سطح شهر خواهید دید.

به گفته یوسفی، استقبال از بخش دانشگاهی و کیفیت آثار دریافتی نشان داد که جشنواره خانه بهار باید خیلی بیشتر با حوزه دانشگاهی تعامل داشته باشد؛ چون دانشگاه دارای افرادی خلاق و باانرژی است که زیرنظر استادان حرفه‌ای آموزش دیده‌اند: «ما با درگیر کردن این افراد وضعیت بهتری در حوزه اجرایی خواهیم داشت. علاوه‌بر این ما به‌نوعی خروجی دانشگاه را به یک بازار مصرفِ محصول هنری متصل کردیم که خود اتفاق خوبی برای دانشجویان خواهد بود.»

شیوه‌ای تازه در داوری المان‌ها

امسال جشنواره خانه بهار علاوه‌بر مشهدی‌ها میزبان هنرمندان بسیاری از شهرهای دیگر خواهد بود. به گفته یوسفی، باتوجه‌به آنکه فراخوان جشنواره پیامی برای تمام کشور بود، هنرمندانی از ۶۰شهر و ۳۰استان، متقاضی شرکت در این رویداد هنری شدند که این اتفاق تنوع بیشتری را در آثار هنری رقم زد.

دبیر جشنواره خانه بهار با اشاره به افزایش تعداد متقاضیان حضور در این دوره از جشنواره، درباره ملاک انتخاب آثار نیز توضیح می‌دهد: ما امسال به کیفیت آثار در کنار اینکه مردم آن کار را دوست داشته باشند، توجه کردیم و نیاز همه طیف‌ها را درنظر گرفتیم.

به گفته او در میان طرح‌های انتخاب‌شده، هم آثار عامه‌پسند وجود دارد و هم آثار هنرمندانه که نیاز به تفکر بیشتری دارد. یوسفی با تاکید بر تلاش برای برقراری توازن میان آثار، از هدف این جشنواره برای ارتقا دادن سطح سلیقه مردم درباره هنر شهری نیز یاد می‌کند.

مدیرعامل خانه هنرمندان در ادامه، درباره شیوه داوری آثار یادمان‌های شهری که یکی از بخش‌های پرچالش هرسال است، توضیح می‌دهد: ما امسال یادمان‌های شهری را در سه مرحله داوری کردیم. در داوری اولیه از حدود ۹۰۰اثر که به دبیرخانه رسیده بود، ۶۰اثر برای ساخت ماکت و نمایش در نمایشگاه انتخاب شد. با نمایش این آثار در نمایشگاه، ما چند دوره داوری انجام دادیم.

بر این اساس از هیئت داوران تخصصی، هیئتی شامل چهره‌های مختلف اجتماعی، معمار، مدیران شهری، نماینده شورای اسلامی شهر، گروهی هفتادنفره از شورای اجتماعی محلات به‌عنوان منتخبان مردم و همچنین شهرداران مناطق به‌صورت جداگانه رای‌گیری صورت گرفت که درنهایت با جمع‌بندی این آرا ۱۵۲اثر انتخاب شد. به نظر یوسفی این شیوه رای‌گیری باعث شد برای انتخاب آثار دیدگاه‌های تخصصی، مردمی و مدیریتی کنار هم بیایند و اتفاق بهتری در انتخاب آثار رخ دهد. او همچنین بر این نکته تاکید می‌کند که امسال کمترین دخالت در داوری‌های جشنواره رخ داده است و انتخاب آثار نیز به‌طور کامل در فراخوان توضیح داده شده بود. یوسفی در پایان ۲۰ تا ۲۲اسفند را تاریخ پایان تمام مراحل اجراهای جشنواره خانه بهار اعلام می‌کند تا به گفته او، پیش از شروع نوروز با اجرا و نصب آثار، شهر آماده استقبال از بهار باشد.

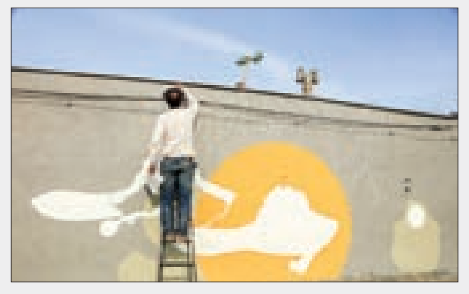

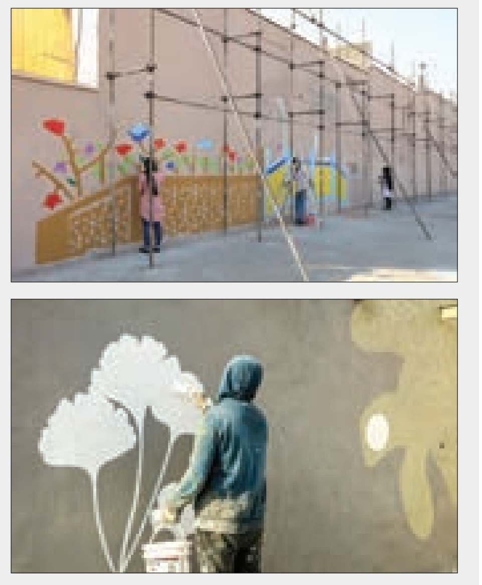

زندگی با سینما

اثر جدید سینماگر مشهدی به کره‌جنوبی رسید

فیلم کوتاه «دَم»، جدیدترین ساخته ناصر ضمیری، به‌عنوان تنها نماینده سینمای ایران به بخش مسابقه سی‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم کوتاه «بوسان» راه یافت. این جشنواره که از ۲۲ تا ۲۷آوریل هم‌زمان با ۳ تا ۸فروردین در شهر بوسان کره‌جنوبی برگزار می‌شود، مهم‌ترین جشنواره فیلم کوتاه آسیا و موردتأیید آکادمی اسکار به شمار می‌آید. به گفته ضمیری، «دَم» درباره چالش‌های شغلی در خانواده است و تنش‌های میان یک زوج را دستمایه قرار داده است. ضمیری که آثار و جوایز متعدد بین‌المللی در کارنامه دارد، در بخش بین‌الملل سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، با فیلم بلند «با دیگران» موفق به کسب تندیس جشنواره و دیپلم افتخار ویژه هیئت داوران شده است. فیلم «دَم» را او و ندا اسدی نوشته‌اند و اشکان اشکانی نیز فیلم‌برداری کرده است. تدوین و صدابرداری به‌عهده محمد توکلی و محمدحسین ابراهیمی بوده است و طراحی صدا و لباس را هم احسان افشاریان و لیلا نقدی‌پری انجام داده‌اند. مجری طرح فیلم، وحید حاجیلویی و مدیر تدارکات محمدرضا حریری بوده‌اند. مترجم پروژه، هدی لزگی بوده و اصلاح رنگ، جلوه‌های ویژه و طراح پوستر برعهده پویان آقابابایی، محسن صادقی و طاها ذاکر بوده است. فیلم کوتاه «دَم» را ناصر ضمیری و افسانه ارزمانی تهیه کرده‌اند و مهرداد بخشی، ندا اسدی و علی یازرلو، بازیگران آن هستند.

در قاب تلویزیون

آنتی‌ویروس سریال‌های نوروزی

عوامل سریال‌های عید نوروز با قوت، کار تولید را ادامه می‌دهند

زوزنی| با اینکه تعدادی از سینماگران در نامه‌ای، خواستار تعطیلی تولید فیلم و سریال در شرایط کنونی شده و حتی برخی تولیدات نیز تعطیل شده‌است، ظاهرا برخی همچنان به کار تولید مشغولند. رساندن فیلم‌ها و سریال‌های نوروزی صداوسیما به روی آنتن نیز در این ایام، دستخوش اخباری است که گاه حکایت از تعطیل شدن تولیدشان دارد؛ برای نمونه شایعه توقف ساخت سریال «پایتخت۶»، به‌کارگردانی سیروس مقدم، عوامل این مجموعه پرطرفدار را به واکنش واداشت. از همه مهم‌تر ویدئویی بود که از پشت‌صحنه این سریال منتشر شد که در آن مهران احمدی، بازیگر خراسانی سریال، در صحبت‌هایی تاکید می‌کند ضبط پایتخت متوقف نشده است. او در این ویدئو گفته است: «همه ما گرفتاری‌های سال ۹۸ را می‌دانیم و تمام تلاشمان را می‌کنیم تا مردم سال ۹۹ را با شادی آغاز کنند.» ظاهرا تا الان ۷۰درصد از این مجموعه تلویزیونی تصویربرداری شده است و تدوین این سریال پانزده‌قسمتی به‌صورت هم‌زمان ادامه دارد.

عوامل سریال «کامیون» به‌کارگردانی مسعود اطیابی هم ویدئویی منتشر کرده و در آن به مخاطبان نوروزی تلویزیون اطمینان خاطر داده‌اند که تصویربرداری سریالشان با جدیت و البته با رعایت نکات بهداشتی ادامه دارد. لعیا زنگنه، یکی از بازیگران کامیون، در ویدئویی که در پشت‌صحنه سریال ضبط شده، به مردم و مخاطبان سریال‌های نوروزی گفته است همه عوامل سریال تلاش می‌کنند کار را به بهترین شکل برای پخش در نوروز ۹۹ آماده کنند. بیشتر از ۸۰درصد سریال تصویربرداری شده است و قسمت‌های آغازین آن نیز درحال تدوین است.

زندگی با موسیقی

نام ذوالفقار بیتانه در فهرست «گنجینه زنده بشری»

نوازنده موسیقی مقامی در فردوس، راوی میراث فرهنگی شناخته شد

گروه هنر| نام ذوالفقار بیتانه، نوازنده و سازنده دوتار خراسان، در فهرست ملی گنجینه زنده بشری به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی ثبت شد. مسئول حوزه پژوهش اداره‌کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی با اعلام این خبر گفت: موسیقی در خراسان از آیین‌های شفاهی مردم است که راویانِ آن گنجینه‌های نهان فرهنگ عامهٔ یک مرزوبوم هستند، بنابراین نخستین اقدام مهم برای پاسداری از این میراث ناملموس، شناسایی استادکاران و هنرمندان پیش‌کسوت این عرصه است. به گفته سیداحمد برآبادی، ذوالفقار بیتانه از هفت‌سالگی نوازندگی را درکنار پدر یاد گرفت و تا امروز در ساختِ سازهای مختلف و نوازندگی در منطقه فردوس سرآمد بوده است. براساس خبر روابط‌عمومی اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان‌جنوبی، ذوالفقار بیتانه تنها بازمانده از نسل خاندان بیتانه در منطقه فردوس است که دربین هم‌نسلی‌های خود و از سال‌های گذشته، در ساخت و نواختن دوتار و سایر سازهای موسیقی اصیل ایرانی و مقامی سرآمد بوده است.